

آموزش را در خانواده، دانش را در جامعه و بینش را در تفکراتِ تنهایی می آموزند.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۸۵۳ سه شنبه ۹ سنبله / شهر یور ۱۳۹۵ ۲۴ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۷ ۳۰ اگست ۲۰۱۶

# ماندگار

روزنامه صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل - هرات

پخش همزمان:  
بلخ  
پروان  
پنجشیر  
میدان وردگ  
و کاپیسا



## Azizi Bank Master Card

f in t You Tube www.azizibank.af 1515



### کوچه کی سلگونه افغانی کډوال نیول شوي او افغانستان ته اړول کېږي



"په دې هکله مو د وزیر اعلی، افغان کمیشنر او یو، ان، اېچ، سي، آر له دفترونو سره خبرې شوي دي، هغوی وايي چې موږ د ملېشه ځواکونو له دفتر سره خبرې کوو، خو علت یې مالوم نه دی چې افغان کډوال ولې نیول کېږي، دا چې نیول شوي ټول غریب کاره خلک دي او اکثریت یې مهاجر کارتونه هم لري، ماشومان هم په کې شامل دي. زموږ سفیر صاحب په اسلام اباد کې له پاکستانی چارواکو سره خبرې کړي دي هغوی ورته ویلي چې دا پروسه به ودرول شي او نیول شوي افغانان به خوشې شي."

صفحه ۶



همزمان با سفر اشرف غنی به بامیان

## خبرنگاران و معترضان سرکوب شدند

صفحه ۳

یک نماینده مجلس:  
وزیر دفاع از محاصره ولسوالی جانی خیل باخبر نبود  
وزارت دفاع:  
عملیات واپس گیری در راه است



سخنگوی وزارت دفاع در رابطه به سقوط ولسوالی جانی خیل به دست طالبان میگوید که فشار دشمن بیشتر از این بود که نیروهای مستقر در آن ولسوالی بتوانند از آن دفاع کنند. جنگ در ولایات متعدد کشور جریان دارد و علت نرسیدن نیروهای حمایتی به این ولسوالی نیز همین مسأله است

صفحه ۶

### کارزار حق دسترسی به اطلاعات افتتاح شد



جای خوشحالیست که رسانهها و جامعه مدنی در کارزار تقویت فرهنگ حق دسترسی به اطلاعات سهیم هستند و بسیار مهم نیز است، چون در واقع فعالیتهایی را که جامعه مدنی و رسانهها انجام میدهند، زمینهساز عملی شدن قانون است

صفحه ۳

### در برگ ها



پیروزی از آن  
«مهمان»  
رئیس جمهور  
است!



سلفیت  
از دیروز  
تا امروز



منابع تار  
یخ افغان  
نستان



### ظریف به ربانی: اعتقادی به تروریسم خوب و بد نداریم

دکتر ظریف با تأکید بر گسترش پدیده شوم افراطگرایی و تروریسم در منطقه، بر ضرورت مبارزه با تروریسم تأکید کرد و گفت: ما اعتقادی به تروریسم خوب و بد نداریم و لازم است با تمام گروههای افراطی و تکفیری مقابله شود

صفحه ۶

احمد عمران



## سخن ماندگار

### نگرانی

## از سقوط‌های پی‌هم

منابع آگاه می‌گویند که سقوط ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا از یک هفته به این سو به دست طالبان، نگرانی از امنیت این ولایت را افزایش داده است؛ زیرا بر بنیاد گزارش‌ها، این منطقه در حال تبدیل شدن به یکی از مراکز مهم طالبان در شرق کشور است. البته سقوط ولسوالی خان‌آباد در کندز و چند ولسوالی دیگر در سایر ولایت‌ها در روزهای اخیر، نشان از آن دارد که طالبان برنامه‌های جدی‌یی را به هدف فشار وارد کردن بر دولت روی دست دارند. در این میان اما گفته می‌شود که وضعیت در ننگرهار و هلمند و فراه نیز شکننده است. این همه بیان می‌کند که دولت در یک جنگ نامتوازن با طرف نظامی خویش قرار دارد، ولی هیچ‌گاه عالمانه به این مسأله توجه نمی‌کند.

بارها گفتیم که دولت افغانستان در یک جنگ بسیار حساب‌شده فرسایشی قرار گرفته است. دشمن با تمام امکانات، جنگی فرسایشی را علیه ما به راه انداخته، اما هنوز هیچ استراتژی نظامی درخوری برای مقابله با این جنگ طراحی نشده است. از همین روست که مناطقی را که متصرف می‌شویم، دوباره از دست می‌دهیم. به عنوان نمونه می‌توان گفت؛ کنار زدن طالبان از جاده خان‌آباد-تخار، شاید موقتاً سبب آرامش در آن‌جا شود اما دوباره بر اثر نبود برنامه، طالبان کنترل جاده را به دست خواهند گرفت. حاصل جمع این نبردهای خونین، آسیب‌های سنگینی به دولت و اعتبار آن نزد مردم می‌رساند.

این همه نشان می‌دهد که دولت در برنامه نظامی‌اش، اصلاحات و تغییرات مثبتی وارد نکرده و همچنان در حال ادامه تجارب ناکام گذشته در میدان‌های جنگ است. در هر ولسوالی‌یی که به دست طالبان یا داعش سقوط می‌کند، بدون شک جنگ‌افزارها و عرادجات نظامی به دست دشمن می‌افتد و تکرار مکرر این واقعات، به تقویت دشمن منجر می‌گردد. متأسفانه هنوز نگاه و تعلق قومی به طالبان در ارکان نظام وجود دارد و همین امر باعث شده که ما شاهد تلفات روزافزون در صفوف ارتش و نیروهای پولیس باشیم. اطلاعات می‌رسانند که نیروهای امنیتی در ولسوالی جانی خیل، ماه‌ها در محاصره بوده‌اند و هیچ اقدامی از سوی مقامات برای نجات آنان از محاصره صورت نگرفته تا این‌که سربازان عقب می‌نشینند و در این عقب‌نشینی با ماین‌های جاگذاری شده از جانب طالبان مواجه می‌شوند، به نحوی که هم تلفات جانی می‌دهند و هم وسایل و امکانات نظامی‌شان را در منطقه جا می‌گذارند.

این نوع تجارب، بارها تکرار شده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که سقوط شهرها و روستاها، دلایل آشکار و مشخص دارند: فساد در نهادهای امنیتی، ضعف دانش نظامی و مدیریت جنگی، نبود رهبری قاطع در جنگ و نیز نبود برنامه منظم و راهبرد جنگی موثر در برابر جنگ فرسایشی.

نبود راهبرد موثر جنگی ست که باعث می‌شود دولت یک بار از یک منطقه با دادن تلفات سنگین عقب بنشینند و سپس با هزینه کردن نیرو و تجهیزات فراوان، کنترل آن منطقه را به دست گیرد و دوباره منطقه را به حال خود رها کند و زمینه برگشت طالبان را مساعد نماید. بنابراین، دولت نیاز دارد که نخست از همه، ماهیت این جنگ را شناسایی کند و بر اساس آن، برنامه و راهبرد موثر جنگی را تدوین و تطبیق نماید.

خبره‌گان و کارشناسان نظامی ما همواره می‌گویند که این جنگ، جنگی فرسایشی است و استراتژی محاصره و سرکوب، بهترین پاسخ در برابر آن می‌تواند باشد. البته این را نیز باید اضافه کرد که اتخاذ این استراتژی و پایان فیصله‌بخش جنگ، مستلزم پُر کردن خلأهای فراوان در نگرش مقامات عالی‌رتبه به مسأله جنگ و نیز اصلاحات اساسی در ساختار ارگان‌های امنیتی - دفاعی کشور است.

## پیروزی از آن

# «مهمان ریس جمهور» است!

آقای علی‌زایی در زمان بدی برای دادستانی کل کشور در دسترس آفرید. در زمانی که تازه مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد به کار خود آغاز کرده است، و بدون شک پرنده آقای علی‌زایی به صورت مستقیم می‌تواند به همین مرکز ارجاع یابد.

موضوع علی‌زایی از این بُعد هم جالب است که یک بار دیگر قانون‌گرایی در کشور را به چالش طلبیده است. اگر برای یک بار هم قانون می‌توانست در برابر یک زورمند قومی قد علم کند، آنگاه در تاریخ کشور صفحه تازه‌یی به نفع قانون و قانون‌گرایی باز می‌شد. ولی افسوس که این بار هم قانون متحمل شکستی ذلت‌بار شد.

پس از جنگ‌های فرسایشی در شمال و جنوب کشور که دمار از روزگار مردم برآورده، بحث جالب دیگر این روزهای رسانه‌ها، کامران علی‌زایی رییس شورای ولایتی هرات است که ناگهان ترکید و او را به چهره مهم رسانه‌یی تبدیل کرد. کامران علی‌زایی پس از آن وارد فضای رسانه‌یی شد که با اقدام‌های فراقانونی خود توانست توجه همه را جلب کند. او اخیراً برای آزدسازی یک تن از افراد خود به دادستانی هرات وارد شد و مرد مظنون به رشوه‌گیری را هنگام تحقیق از دادستانی به زور بیرون کشید. به دنبال این حادثه، دادستانی کل کشور، حکم بازداشت و تعلیق وظیفه آقای علی‌زایی را صادر کرد. اما او به جای این‌که در بازداشتگاه به سر برد، دو روز بعد به کابل آمد و مهمان رییس جمهوری شد.

دادستانی کل نیز حکم بازداشت و تعلیق وظیفه او را لغو کرد. اما داستان آقای علی‌زایی در همین جا پایان نیافت، بل کسانی که از حکم دادستانی به شدت متحیر شده بودند، این داستان را ادامه دادند و تصمیم به نشر مطالب در فضای مجازی و رسانه‌های کشور در خصوص حکم دادستانی و شخص آقای علی‌زایی گرفتند.

روز دوشنبه در روزنامه هشت صبح، مطلبی در انتقاد از کارنامه آقای علی‌زایی نشر شد که در نسخه هرات این روزنامه، جای این مطلب خالی است. مسوولان هشت صبح دلیل این اقدام را "اعتراض سفید" به زورگویی‌های آقای علی‌زایی خوانده‌اند. اما پرسش این جاست که چرا هشت صبح این نوشته را در کابل منتشر کرد؟ اگر آقای علی‌زایی آن‌گونه که مسوولان این روزنامه می‌گویند، خطری برای روزنامه‌نگاران می‌تواند محسوب شود، بدون شک این خطر همچنان باقی ست و عدم نشر یک مطلب انتقادی نمی‌تواند جلو اقدام‌های فراقانونی آقای علی‌زایی را بگیرد. اما اگر این اقدام واقعاً "اعتراض سفید" بود، پس چرا یک روز بعد مسوولان این روزنامه در مورد آن سخن گفتند؟

فکر می‌شود که عدم نشر نوشته انتقادی در نسخه هرات، بیشتر تصمیمی آتی برای حفظ جان بوده باشد، تا اعتراض سفید به حرکت‌های آقای علی‌زایی! یک روز بعد اما دادستانی کل اعلام کرد که

این مسأله نیز سوال‌برانگیز است. چگونه دادستانی می‌تواند پرونده کسی را دنبال کند که عملاً چند موثر افراد مسلح از او محافظت می‌کنند؟

بحث اصلی، بحث دشمنی با کسی نیست، ولی بحث قانون‌مداری و قانون‌گرایی بدون شک هست. آقای علی‌زایی شاید پول‌های زیادی داشته باشد و همین حالا از جایگاه خوب حقوقی نیز برخوردار باشد؛ ولی این‌ها به هیچ صورت به معنای آن بوده نمی‌تواند که او مغایر با قوانین کشور عمل کند و آن را به بازی بگیرد.

آقای علی‌زایی در زمان بدی برای دادستانی کل کشور درد سر آفرید. در زمانی که تازه مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد به کار خود آغاز کرده است، و بدون شک پرنده آقای علی‌زایی به صورت مستقیم می‌تواند به همین مرکز ارجاع یابد.

موضوع علی‌زایی از این بُعد هم جالب است که یک بار دیگر قانون‌گرایی در کشور را به چالش طلبیده است. اگر برای یک بار هم قانون می‌توانست در برابر یک زورمند قومی قد علم کند، آنگاه در تاریخ کشور صفحه تازه‌یی به نفع قانون و قانون‌گرایی باز می‌شد، ولی افسوس که این بار هم قانون متحمل شکستی ذلت‌بار شد. آیا پس از این، کسی باور خواهد کرد که نهادهای عدلی و قضایی کشور می‌توانند در برابر زورگویان و قلدران، اقتدار و صلاحیت خود را نشان دهند؟

احکام صادر شده علیه آقای علی‌زایی همچنان پابرجاست و هیچ تغییری در موضع این نهاد وارد نشده است. اما جالب این جاست که گزارش‌ها چنین موردی را تأیید نمی‌کنند. شاهدان عینی از هرات می‌گویند که آقای علی‌زایی به محض برگشت از کابل، در یک نشست خبری شرکت کرد و از بری‌الذمه بودن خود به همه اطمینان داد.

اگر آقای علی‌زایی آن‌گونه که دادستانی کل مدعی است، تعلیق وظیفه شده، پس چرا نشست خبری برگزار می‌کند و از جایگاه حقوقی خود سخن می‌گوید؟ در ضمن، شاهدان عینی می‌گویند که آقای علی‌زایی همچنان به عنوان رییس شورای ولایتی به وظایف خود در این شورا ادامه می‌دهد.

موضوع سوال‌برانگیز دیگر، سفر آقای علی‌زایی به کابل است. او دقیقاً زمانی هرات را با شماری از افراد متنفذ قومی به قصد کابل ترک گفت که بر اساس حکم دادستانی کل، باید در بازداشت به سر می‌برد. اما او به جای این‌که بازداشت شود، به کابل می‌رود و مهمان ارگ می‌شود.

شاید مشکل در فهم بعضی احکام و فرمان‌ها باشد. برای برخی‌ها بازداشت همان زندان است، ولی برای برخی دیگر بازداشت می‌تواند به معنای مهمانی رفتن و براثت گرفتن باشد. در ضمن دادستانی کل گفته که پرونده آقای علی‌زایی دنبال می‌شود، ولی



## وزارت داخله تاکنون استعفای امرخیل را نپذیرفته است

وزارت امور داخله کشور اعلام کرده است که استعفای امین الله امرخیل، قوماندان امنیه ولایت غزنی را دریافت نموده است. این وزارت می‌گوید که در مورد رد یا تایید استعفای آقای امرخیل تصمیم گرفته خواهد شد. وزارت امور داخله کشور در خبرنامه‌ای که منتشر کرده نگاهشته است که تا زمان تایید یا رد استعفای وی، قوماندان امنیه

غزنی باید با در نظر داشت وضعیت امنیتی غزنی، طبق قانون یا توجه بیشتر به مسوولیت‌هایش رسیدگی کند. گفته می‌شود که امین الله امرخیل، چند روز قبل استعفای خود را به وزارت امور داخله کشور فرستاده است. بر اساس گزارش‌ها آقای امرخیل دلیل استعفایش را نبود عدالت در وزارت امور داخله کشور خوانده است.

# کارزار حق دسترسی به اطلاعات افتتاح شد

کسانی که به رسانه‌ها اطلاعات ندهند، به دادستانی معرفی می‌شوند

معرفی می‌شوند

روح الله بهزاد



به اطلاعات و آزادی بیان است به همین دلیل ما همکاری خود را با کمیسیون نظارت بر حق دسترسی به اطلاعات اعلام می‌کنیم. آقای ریکاردو بیان داشت: "جای خوشحالی است که رسانه‌ها و جامعه مدنی در کارزار تقویت فرهنگ حق دسترسی به اطلاعات سهیم هستند و بسیار مهم نیز است، چون در واقع فعالیت‌هایی را که جامعه مدنی و رسانه‌ها انجام می‌دهند، زمینه‌ساز عملی شدن قانون است." به باور آقای ریکاردو، قانون تعهد سیاسی یک نظام را برای دسترسی به اطلاعات نشان می‌دهد، اما تنها تصویب قوانین کافی نیست، برای عملی شدن آن نیز باید اقدام شود. در سویی دیگر، دانش کروخیل، از اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات نیز در این نشست گفت: از تمام رسانه‌ها در کشور تقاضا داریم تا برای به دست آوردن حق‌شان در این کمپین با ما همکاری کنند. آقای کروخیل افزود: تا زمانی که به صورت مشترک و هم‌صدا در قبال بی‌عدالتی و بی‌نظمی مبارزه نکنیم و بالای حکومت فشار نیاوریم، قانون حق دسترسی به اطلاعات به تنهایی نتیجه نخواهد داد. آقای کروخیل خاطر نشان ساخت: "در هفته آینده کمیسیون حق دسترسی به اطلاعات، ورکشاپی سه‌روزه را جهت آگاهی‌دهی برای خبرنگاران از نحوه به دست آوردن اطلاعات از مراجع دولتی برگزار می‌کند و رسانه‌ها می‌توانند خبرنگاران‌شان را برای این ورکشاپ معرفی کنند." عدم دسترسی به اطلاعات همواره یکی از نگرانی‌های جدی رسانه‌ها، خبرنگاران و نهادهای حامی رسانه‌یی بوده است که تاکنون در این راستا چالش‌های زیادی موجود است. قانون حق دسترسی به اطلاعات در ۶ فصل و ۳۲ ماده در ماه مارچ سال گذشته میلادی از سوی رییس‌جمهور اشرف غنی توشیح گردید، اما عملی نشدن آن انتقادهای زیادی را برانگیخته است.

خواهیم گفت. رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات خاطر نشان ساخت: "پیام اصلی ما این است که حق دسترسی به اطلاعات حق هر شهروند است، حکومت مسوولیت دارد که در این راستا کار کند و بر اساس تقاضای مردم اطلاعات را در دسترس رسانه‌ها و مردم قرار بدهد." به گفته آقای افضل: "این کمیسیون مسوولیت نظارت از تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات را به عهده دارد، در کنار آن، کمیسیون مرجع سمع شکایات نیز است، هر نهادی حکومتی‌یی که به رسانه‌ها و یا شهروندان به شکل عموم اطلاعات را فراهم نمی‌کند؛ مراجعه کننده می‌تواند ما را در جریان بگذارد و ما در مواردی که بدون دلیل موجه اطلاعات به دسترس مردم و رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد، اقدام می‌کنیم." آقای افضل تصریح می‌کند که این کمیسیون صلاحیت دارد تا در برابر نهادهای حکومتی که بدون دلایل موجه، اطلاعات را در اختیار شهروندان و رسانه‌ها قرار نمی‌دهند، اقدامات کند. آقای افضل اظهار داشت: "کسانی که اطلاعات را به موقع به دسترس رسانه قرار نمی‌دهند، اداراتی که با کمیسیون ما همکاری نکند و فیصله کمیسیون را نپذیرد، به دادستانی معرفی خواهد کردیم." افضل از تمامی نهادهای حکومتی در مرکز و ولایات کشور خواست تا مسوولین اطلاع‌دهی‌شان را مشخص کرده و به زودترین فرصت به مردم و رسانه‌ها اطلاعات دهند. به باور او، سخنگویان ادارات دولتی که اطلاعات را در اسرع وقت در اختیار رسانه‌ها قرار نمی‌دهند، ضعف حکومت را نشان می‌دهد و ادامه این وضعیت، فاصله میان مردم و حکومت را بیشتر خواهد ساخت. در همین حال، ریکاردو نماینده سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در این نشست گفت: "بخشی از اهداف سازمان یونسکو تقویت فرهنگ حق دسترسی

اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات در روز افتتاح کارزار حق دسترسی به اطلاعات گفته اند: کسانی که اطلاعات را به موقع در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار ندهند، به دادستانی معرفی خواهند شد. آنان از تمامی نهادهای حکومتی در مرکز و ولایات کشور خواستند تا مسوولان اطلاع‌دهی‌شان را مشخص کرده و به زودترین فرصت به مردم و رسانه‌ها اطلاعات دهند. به باور آنان، محرومیت و ممنوعیت در قانون یک استثنا است؛ اما قاعده، دسترسی به اطلاعات است. همزمان با این، نماینده سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد یا یونسکو می‌گوید، اهداف اساسی یونسکو تقویت آزادی بیان و فرهنگ دسترسی به اطلاعات است و با کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات، همکاری می‌کند. کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات با ۱۳ عضو در اول ماه سرطان سال گذشته ایجاد شد و بعد از سه ماه توانست کارشیوه این کمیسیون را آماده و اعضای خود را انتخاب کند. مسوولان این کمیسیون می‌گویند، کمیسیون نظارت دسترسی به اطلاعات مسوولیت دارد تا از ایجاد زمینه‌های دسترسی اتباع این کشور به اطلاعات نظارت کند. سید اکرام افضل، رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات دیروز حین برنامه آغاز کارزار ترویج و تقویت فرهنگ دسترسی به اطلاعات گفت: رسانه‌هایی که برای‌شان اطلاعات داده نمی‌شود، باید به کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات مراجعه کنند. آقای افضل در ادامه سخنانش افزود: "از امروز به بعد، آغاز کارزار تقویت فرهنگ حق دسترسی به اطلاعات را اعلام می‌کنیم و بعد از یک‌ماه و به تاریخ ۲۸ سپتامبر، برنامه کنفرانس ملی خواهیم داشت و در آن‌جا در مورد دست‌آوردها و چالش‌های مان

## همزمان با سفر اشرف غنی به بامیان خبرنگاران و معترضان سرکوب شدند

دیدبان رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) اعلام کرده است که در جریان سفر دیروز رییس‌جمهور غنی به بامیان، شماری از خبرنگاران از سوی نیروهای امنیتی این ولایت لت و کوب و تهدید شده‌اند. نی گزارش داده است که سید محمد هاشمی، خبرنگار خبرگزاری جمهور، الیاس طاهری خبرنگار رادیو سلام وطندار، نجیب‌الله الفت خبرنگار رادیو محلی نسیم، اسحق اکرمی خبرنگار کلید، عباس نادری و تعداد دیگری از خبرنگاران که می‌خواستند از تجمع و تظاهرات بامیانی‌ها در اعتراض به سفر رییس‌جمهوری به آن ولایت گزارش تهیه کنند، پس از به خشونت کشانده شدن این اعتراضات، لت و کوب شده و تلاش شده آنان را بازداشت کنند. در خبرنامه این نهاد آمده است که این خبرنگاران موفق به فرار از محل شده اما کمره‌ها و وسایل‌شان شکستانده شده و موبایل‌های‌شان را نیز نیروهای امنیتی با خود برده‌اند. شماری از شهروندان بامیان در

اعتراض به سیاست‌های حکومت در جریان سفر رییس‌جمهور غنی به بامیان، در مرکز این ولایت دست به تظاهرات زدند. بر اساس گزارش‌ها از بامیان، پولیس تظاهرات‌کننده‌گان را با ضرب‌وشتم و استفاده از گاز اشک‌آورد متفرق کرده است. روز یکشنبه نیز پس از آن‌که قوماندان امنیه ولایت بامیان جواز برگزاری تظاهرات در بامیان را برای نمایندگان فعالان مدنی بامیان نداد، اداره امنیت ملی بامیان به دستور والی این ولایت، شماری از فعالان مدنی و یک خبرنگار را بازداشت کرد. رییس‌جمهور غنی با معاون ریاست‌جمهوری و معاون ریاست‌ اجرایی و برخی از وزیران کابینه، به هدف افتتاح برخی از پروژه‌های انکشافی به ولایت بامیان سفر کردند. آقای غنی در این سفر خود، میدان‌هوایی بامیان را به نام «میدان هوایی شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری» و سرک بامیان - میدان را افتتاح کرد.



بخش نخست

بخش سوم



فشار خون بالا یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز بیماری عروق تغذیه‌کننده قلب است که طی سال‌های اخیر شیوع آن افزایش چشم‌گیری داشته است. به طوری که از هر ۵ نفر یک نفر به فشار خون بالا مبتلاست. فشار خون بالا سبب آسیب به گردها (نارسایی کلیه)، چشم (اختلال بینایی)، قلب (مسکته قلبی) و مغز (مسکته مغزی) می‌شود. بر همین اساس است که فشار خون بالا، بیماری خطرناکی به شمار می‌رود.

کلی دلایل اصلی بروز فشار خون بالا عبارتند از: شایده تا زمانی شناسایی شده برای این بیماری؛ سن بالا، چاقی، سابقه خانوادگی ابتلا به فشار خون بالا، کم‌تحرکی، دیابت، بیماری شکر، مصرف زیاد نمک و الکل است. مواجهه با سرب موجود در هوای آلوده نیز می‌تواند موجب افزایش فشار خون شود. بهتر است بدانید با پیشگیری و کنترل این بیماری، می‌توان از بروز عوارض و ناتوانی و مرگومیر ناشی از آن به میزان قابل ملاحظه‌ای (۴۴ درصد از مسکته‌های قلبی و ۲۵ درصد از بیماری عروق کرونر) کاست.

تاریخ و طبقه‌بندی فشار خون بالا

برای این که خون در شریان‌های فشار خون بالا

افضل مختلف بدن برساند، نیاز به نیروی دارد که این نیرو فشار خون نام دارد و مولد آن قلب است. از آنجا که پمپ کردن خون توسط قلب به داخل شریان‌ها نبض دارد، فشار خون شریانی بین دو سطح حداکثر و حداقل در نوسان است. (سطح حداکثر یا سیستولی در زمان انقباض قلب و سطح حداقل یا دیاستولی در زمان استراحت قلب به وجود می‌آید). غالباً فشار خون را در دو سطح اندازه‌گیری می‌کنند. در زمانی که قلب منقبض می‌شود، فشار در شریان‌ها بالا می‌رود، به دست می‌آید. هر دو سطح فشار خون به حد قابل ملاحظه خود می‌رسد، این امر در صورت کسر بر حسب میلی‌متر جیوه به صورت دو عدد کنار هم یا به صورت کسر بر حسب میلی‌متر جیوه نشان داده می‌شود. فشار خون طبیعی: فشار ماکزیمم کمتر از ۱۴۰ میلی‌متر جیوه و فشار می‌نیم کمتر از ۹۰ میلی‌متر جیوه. فشار ماکزیمم بیشتر از ۱۴۰ میلی‌متر جیوه و فشار می‌نیم بیشتر از ۹۰ میلی‌متر جیوه. فشار ماکزیمم بیشتر از ۱۶۰ میلی‌متر جیوه و فشار می‌نیم بیشتر از ۱۰۰ میلی‌متر جیوه. فشار ماکزیمم بیشتر از ۱۶۰ میلی‌متر جیوه و فشار می‌نیم بیشتر از ۱۰۰ میلی‌متر جیوه.

مورد توجه قرار دهید.

خوراکی‌های سالم مانند سبزی‌ها، میوه‌ها، حبوبات و خوراکی‌های کم‌چرب میل کنید.

کاهش شریانی‌سازی با محیط خود را فراهم کنید.

بکاهش مقدار مصرف نمک و کافئین را به حداقل ممکن برسانید.

دیگران نیستند. تشیع و سلفیت با تولید ادیاتی خصمانه در چند سده اخیر، دشمنی عمیقی را در بخش‌هایی از جهان اسلام نهادینه ساخته‌اند و دیگر مناطق را هم کمابیش درگیر این کشمکش ساخته یا می‌سازند. البته استثنائاتی در هر طرف هست، که باید در نظر گرفت، اما این استنهاها قاعده را عوض نمی‌کند.

جنگ جاری در جهان اسلام، لایه‌ها و ابعاد مختلفی دارد، اما یکی از لایه‌های غلیظ آن گرایش سلفی است که ریشه در رویکرد ارتدوکسی/سلفی دارد، یکی با صبغه سنی و دیگری با صبغه شیعی. همه پوشش‌های دیگری که به این جنگ داده می‌شود، یا نام‌های دیگری که بر آن گذاشته می‌شود، از نوع پروپاگاندایی است که جهت‌های سیاسی درگیر این جنگ به شکل تاکتیکی برای اغفال ذهنیت عمومی به کار می‌گیرند. این جنگ در حقیقت یک جنگ مذهبی میان متعصبان مذهبی است، چه کسانی که خود را به اهل سنت منتسب می‌سازند و چه به اهل تشیع. قتل‌های گسترده، ویرانی‌های پُر دامنه و نفرت عمیقی که هم‌اکنون در منطقه خاورمیانه جریان دارد، قبل از هر چیز یک جنگ مذهبی/فرقه‌ی است. تعبیرات تشریفاتی و تعارفات ساختگی نمی‌تواند هیچ تغییری در ماهیت این جنگ بدهد. نقش حزب‌الله در جنگ‌های سوریه، انفجار مراکز مذهبی شیعیان توسط بر ضد سنیان و فعالیت‌های تروریستی القاعده، با هر نامی که انجام شوند و هر تأویل و توجیهی که برای آن ارایه گردد، در نهایت، جنگی مذهبی/فرقه‌ی است. گروه‌هایی که با چنین رویکردی می‌جنگند، جوهره فکری‌شان را تقدس گذشته و هویت‌های به میراث مانده از سده‌های میانه تشکیل می‌دهد و این همان جوهره سلفیت است، چه نام سنی داشته باشند و چه شیعی.

سلفیت، نمای بیرون، سیمای درون

سلفیت، نمای بیرونی

سلفیت به چند امر اعتقادی و فکری در میان دیگر مسلمانان شهره است و کسانی که از بیرون به آن می‌نگرند، این ویژه‌گی‌ها را شاخصه و ملاک دسته‌بندی گروه‌ها می‌دانند. مهم‌ترین امور اعتقادی‌یی که سلفیت به آن شناخته می‌شود این موارد است:

توحید: در میان آموزه‌های اعتقادی اسلام، هیچ اصلی مهم‌تر از توحید نیست. توحید یعنی اعتقاد به وجود ذاتی یگانه که خالق انسان‌ها را سزاور پرستش کرده است. همه مسلمانان بر این امر اتفاق نظر دارند و اختصاصی به سلفیت ندارد.

# سلفیت از دیروز تا امروز



محمد محقق

شده و گویا تجسمی از اجماع مسلمانان بوده است، معرفی کنند. در این میان تنها جریان اباضی است که بی هیچ ادعایی همان وضعیت دیرینه را حفظ می‌کند. اگرچه تفکر اهل حدیث که از آن پس بیشتر با نام سلفیت شناخته گردیده، آرام‌آرام راه خود را به مناطق دیگری از جهان اسلام، مانند مصر، شبه‌قاره هند و شمال آفریقا گشود، هم هسته‌های خواینده‌ی خنابله را جذب خود کرد و هم شمار محدودی از پیروان دیگر مذاهب راه اما هنگامی قضیه رنگ جدی به خود گرفت که عربستان سعودی به استخراج نفت موفق گردید. این سرمایه‌های هنگفت فرصتی فراهم کرد تا دولت سعودی، به‌ویژه به خاطر جایگاه حرمین شریفین، سودای رهبری جهان اسلام را به‌سر راه دهد. از آن جایی که این کشور فاقد نهادهای مدرن برای برنامه‌ریزی بوده است تا بتواند عرصه‌های سودمندتری را برای برقراری ارتباط با دیگر کشورها و تقویت جایگاه خود در پیش بگیرد، همان راه سنتی ترویج سلفیت را که ایدئولوژی آن نظام است، برای این هدف انتخاب کرده است.

جغرافیای مذهبی جهان اسلام

با ضعف حکومت عثمانی و سر برآوردن حکومت صفوی و سپس تأسیس حاکمیت سعودی - اهل حدیث، نقشه جهان اسلام از نظر جغرافیای مذهبی تحولی بی‌سابقه پیدا کرد. با رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران صفوی، یکپارچه‌گی حوزه حنفی - ماتریدی از هم گسست؛ در یک‌طرف عثمانی قرار گرفت و در طرف دیگر، هند و آسیای میانه، با منطقه‌ی محل نزاع میان ایران و حاکمان افغان. با سقوط اسپانیا و اخراج مسلمانان از آن دیار، منطقه مالکی - اشعری به مغرب و شمال آفریقا خلاصه شد، و منطقه شافعی - اشعری به مصر و توابع آن. در حجاز نیز حکومتی تشکیل شد با رویکرد اهل حدیث. اگر حکومت اباضی عمان را هم در نظر بگیریم که ادامه مذهب خوارج است، نقشه مذهبی جهان اسلام تکمیل می‌شود.

پیش از آن، درگیری‌های سیاسی و حتا گاه جنگ‌هایی خونین میان سلسله‌های حکومتی مختلف روی داده است، اما عنصر مذهب نقش کم‌رنگ‌تری داشته است، چرا که همه به یک گرایش فکری تعلق داشتند؛ اما این بار، تقابل سیاسی با تقابل مذهبی عجین می‌گردد. هم حکومت صفوی رنگ شیعی خود را تقویت می‌کند و می‌کوشد بر نقاط تمایز و تفاوت خود از بقیه مسلمانان انگشت تأکید بگذارد، و هم حاکمان حجاز می‌کوشند خود را منادی اسلام اصیل معرفی کنند و از این راه، مشروعیتی خاص برای خود تأمین نمایند. در طرف مقابل هم، دیگر مناطق مسلمان‌نشین می‌کوشند خود را وارث و حافظ خط اصیل دینی که توسط "سواد اعظم" یا اکثریت عظیم مسلمانان در تاریخ ترسیم

## در پییماران فشارخون بالا





# افغانستان منابع تاریخ

بسیار باشد که مورد ملامت و توبیخ قرار گیرم، که مثلاً چرا این همه به تاریخ هندوستان چسبیده‌ام؛ چرا در باره ی مسایل جاری کشور چیزی نمی‌نویسم، و چرا به پیشواز هر پیش‌آمدی، با نوشته ای حاضر نمی‌شوم. البته از حسن نیت آنانی که این درخواست را دارند، غافل نیستم؛ اما به گمانم، اظهار نظر من در باره ی مسایل روز، فایده ای بیش از «اظهار نظر» ندارد؛ چه، به محض نگارش مطلبی در این خصوص، به ده‌ها و بعضاً صدها واکنش و کنش مواجه می‌شوم، شناخته و ناشناخته، از ده‌ها و صدها موضع مورد حمله و بی‌حرمتی قرار می‌گیرم. درحالی‌که نگاره‌های تاریخی و ادبی و از این قبیل مباحث، فقط ناآگاهان را در برابر من قرار می‌دهد. ناآگاهان پیوند این نوشته‌ها را با تاریخ افغانستان، و ارتباط آن‌ها را با رویدادهای جاری نمی‌دانند. مثلاً آنان نمی‌دانند که کشوری به‌نام افغانستان - قسماً - از بدنه ی هندوستان عهد تیموری، قسماً از پیکر دولت صفوی، و قسماً از هیئت دولت ازبکیه ی بخارا جدا شده؛ افغانستان کنونی عبارت است از گسترده ی دو صوبه ی کابل و قندهار عهد گورکانی، و هرات و بلخ عهد صفوی و جانیبه. بخش‌های شرقی، مرکزی و شمال شرقی افغانستان کنونی، شامل صوبه ی کابل؛ و بخش‌های جنوب غرب آن داخل صوبه ی قندهار بودند. قندهار یکی از موارد متنازع فیه میان دولت‌های صفوی و گورکانی بوده، که طی دو صد سال چهار بار دست به دست شده است. این شهر را که بابر از باماندگان دولت تیموری هرات گرفته بود، پسرش همایون، در ازای کمک‌های شاه طهماسب صفوی برای بازپس‌گیری تاج و تخت دهمی دریافت کرد، به او واگذار شد؛ اما اخلاف او این حاتم‌بخشی را نپذیرفتند، و القصد در آستانه ی تشکیل کشوری به‌نام افغانستان، این شهر - در واقع این صوبه - در اختیار صفوی‌ها بود. شاید ناآگاهان ندانند که حوزه ی غربی افغانستان کنونی به مرکزیت هرات، تا آخر عهد صفوی‌ها جزو قلمرو آنان بود؛ با این حال، جنگ‌های خونینی میان صفوی‌ها و شیبانیان (با مرکزیت بخارا) بر سر تصاحب این خطه به وقوع پیوسته؛ دو بار میان این دو قدرت منقوی دست به دست شده است. حدود شرقی هرات آن زمان، مرزهای فاریاب با بلخ، و مرزهای غور با بامیان بود. در این مرحله، با توجه به مشالفت‌های قندهار و عروج هوتکی‌ها، و ابدالیان هرات را از هیئت دولت صفوی متنوع ساخت؛ تا آن‌که نادر افشار ضمن سرکوب یاغیان و بازپس‌گیری همه ی ایران از آنان، حکومت‌های محلی قندهار و هرات را نیز برانداخت. یعنی در آستانه ی تشکیل کشوری به‌نام افغانستان، هرات مانند قندهار جزو امپراطوری نادر بود.

شاید اینان ندانند که شمال افغانستان با مرکزیت بلخ، مانند قندهار، همواره مورد منازعه میان گورکانیان و شیبانیان بود؛ شاه‌جهان در دومین سفر خویش به کابل، اورنگ‌زیب را مأمور استخلاص بلخ نمود؛ اما پس از برخورد‌های سنگین میان دو طرف، برای همیشه از بلخ - به نفع سلسله ی جانیبه - چشم پوشید. در آستانه ی تشکیل کشوری افغانستان، بلخ و مضافات آن را نادر افشار از سلسله ی مذکور بازستاند. به این ترتیب، طی قرون دهم، یازدهم و دوازدهم هجری، سه شهر از سرزمینی که بعداً افغانستان خوانده شد، میان سه قدرت منقوی دست به دست می‌شد؛ قندهار چهار بار، هرات دو بار، و بلخ

## داکتر محیی‌الدین مهدی

سه بار. بالاخره شاید ناآگاهان ندانند که هرچند آیین اسلام را خراسانیان به هند بردند، ولی - مخصوصاً - از عهد اورنگ‌زیب به بعد، این مدارس و مراکز دینی هندوستان است که به جانب خراسان فتوا و ملا صادر می‌کنند. اورنگ‌زیب برداشت‌ها و قرائت‌های خود از اسلام را در کتابی به نام «فتاوی عالمگیری» جا داد؛ و سپس موافق به آن برداشت‌ها، مدارسی در اطراف و اکناف هند ساخته شد. نورزستیزی که به عنوان فتوای شرعی در کتاب مذکور راه یافته، از اندیشه‌های اورنگ‌زیب است. در نگارش تاریخ افغانستان، نمی‌توان به شیوه ی اروپایی‌ها عمل کرد و مبدای مشخص زمانی برای آن تعیین نمود. زیرا حوادث و جریان‌های تاریخی به‌طور انکارناپذیری با هم پیوسته و بهم گره خورده‌اند؛ رویدادهایی منقوی و داخلی‌ای که در کنار عامل مسلط خارجی (حضور اروپاییان مخصوصاً انگلیسی‌ها)، منتهی به تشکیل کشور افغانستان شدند. در سرزمین‌های اطراف افغانستان ریشه دارند.

به این ترتیب، اسناد و ادبیات موجود برای مطالعه ی تاریخ منطقه، به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اسناد نوشته‌شده به قلم اروپاییان؛ ۲. اسناد نوشته‌شده به قلم نویسنده‌گان منطقه. مهم‌ترین مینا و منبع اروپایی برای این تحقیق، کتاب‌های الفنسنتن (گزارش سلطنت کابل، تاریخ هندوستان) و کتاب فریر فرانسوی (افغان‌ها) است. اسناد منقوی را به سه دسته تقسیم می‌کنیم: الف- نوشته‌هایی که تاریخ غرب افغانستان را در بر می‌گیرند. این دسته آثار لااقل از عهد شاه‌رخ به بعد را در بر می‌گیرند. از این‌ها به بعد، آثار عهد صفوی - مخصوصاً - کتاب «عالم‌آرای عباسی»، آثار عهد نادر - مخصوصاً - آثار میرزا مهدی خان استرآبادی (دره ی نادره و جهانگشای نادری)، و بالاخره آثار محمود افشار مهم‌اند.

ب- آثاری که در فرارودان نوشته شده‌اند؛ مسخرالبلاد، بحرالاسرار، آثار شمس‌الدین شصت کله، و آثار صدرالدین عینی قابل اعتنا‌اند.

ج- آثاری که در هندوستان نوشته شده‌اند. به نظر من مهم‌ترین اینان (برای مطالعه ی تاریخ این دوره) تزوک بابری برای مرحله ی اول، و آثار اورنگ‌زیب برای مرحله ی دوم است. آثار اورنگ‌زیب به مثابه ی دایرة‌المعارف مسایل دوره ی مورد بحث‌اند؛ اینان حاوی اطلاعات دست اول در موضوعات تاریخی - سیاسی، جغرافی - اداری، و تحولات دینی - اجتماعی‌اند که به قلم شخص اول کشور نوشته شده است.

پیش از این، فهرستی از آثار اورنگ‌زیب را معرفی کرده بودم؛ از میان آن‌ها نمونه‌هایی از «رقعات عالمگیری» و جلد اول «آداب عالمگیری» منتشر کردم. اینک نمونه ی

بسیار مهمی - که به موضوعات مورد بحث ما ارتباط تنگاتنگ دارد - از جلد دوم کتاب «آداب عالمگیری» را منتشر می‌نمایم. این نمونه که بازم نام‌های از اورنگ‌زیب به شاه‌جهان است، پایان دوره ی تسامح دینی، و آغاز دوره ی تعصب و سخت‌گیری از جانب زمامداران مسلمان را نشان می‌دهد، که به نظر من - از همین منبع - تا اکنون نیز ادامه دارد.

جلد دوم آداب عالمگیری در ۷۰۰ صفحه (هر دو جلد روی هم ۱۳۴۸ صفحه) به قطع وزیری است. هر نامه - در هر دو جلد - با مقدمه ی آگاهی‌دهنده ای به زبان اردو (به قلم عبدالغفور چوده‌ری) آغاز می‌گردد. ناشر به دلیل احتراز از ضخیم شدن کتاب، آن را در دو مجلد گنجانیده، و گرنه هیچ تفاوت مضمونی میان دو جلد به نظر نمی‌رسد. در جلد دوم کتاب آن نامه‌های اورنگ‌زیب به شاه‌جهان (۱۲ نامه) درج گردیده که در ایام «عزلت» (در واقع ده سال حبس) به او نگاهشته شده‌اند.

این نخستین نامه از آن دسته است؛ صادق مطلبی (مولف کتاب) این دسته نامه‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: «ارقامی که حضرت ظل الهی بعد فتح ممالک محروسه و شکست ناسپاسان، باعلی حضرت در هنگام عزلت‌گزینی ایشان، بقلعه ی اکبرآباد مستقر الخلافه، مرقوم نموده، معذرت‌های بعضی امور که بحسب تقدیر نسبت بمزاج اقدس واقع شد، خوانسته‌اند». این نامه به جواب نامه ی شاه جهان است که در ۲۰ صفر ۱۰۶۹ ق به اورنگ‌زیب نوشته شده؛ این زمانی بوده که اورنگ‌زیب از مهم دارا شکوه و پسرانش فارغ گردیده، متوجه شاه‌شجاع - برادر دیگرش - حکمران بنگال و بهار بوده است. اورنگ‌زیب خط این نامه را «نامعروف» خوانده، چون به املائی شاه‌جهان ولی به قلم کس دیگری نوشته شده است. اینک اصل نامه: «عرضداشت باعلی حضرت: بعد ادای وظایف عقیدت، بعرض اقدس می‌رساند که بیستم شهر صفر، خط نامعروف، در جواب عریضه ی این مرید صادر شده بود، در احسن اوقات پرتو وصول انداخت و کیفیت مضمون، ستمت و وضوح یافت -

بر راء خورشید ضیا پوشیده نماند که این مرید بتوفیق الهی حقیقت دنیا و عدم ثبات دنیای بی بقا را، نوعی که هست، دانسته، در «اطیعوا الله» آن قدر مقصر، است که پیش رسول علیه السلام، خجالت‌ها دارد، دعوی مرتبه سیوم را چون تواند کرد - لیکن نسبت باهل روزگار، بقدر مقدور در اطاعت اوامر و نواهی الهی و پیروی شریعت مصطفوی کوشیده - تا وقتی که عنان جهان بانی بقبضه اقتدار اعلی حضرت بود، محض برای پاس فرمان ایزدی بی حکم والا، بتمشیت هیچ مهمی و مطلبی نپرداخته، هرگز قدم از حد خویش فراتر نگذاشته، و عالم السر و الخفیات، بر صدق این تزویج دعوی، شاهد و گواه است -

از آنجا که بتحقیق انجامیده بود که پادشاهزاده کلان [داراشکوه]، در ایام بیماری اعلی حضرت، استقلال تمام

پیدا کرده، در ترویج آیین هندو کفار و هدم بنیان دین رسول مختار، علیه الصلوة و السلام، کمر اهتمام چست بسته غبار الحاد، در عرصه مملکت بر انگیخته و سررشته انتظام مهمام حال را، بعرض اشرف رساند و او خود را با عدم استحقاق، شایسته فرمان روای دانسته، مربی و ولی نعمت را، معزول مطلق ساخته - چنانچه این مقدمه بخط مبارک، در مناشیر پیشین مندرج شده -

بنابران این مرید از اندیشه آن که مبادا تهاون در اصلاح این فساد که منجر بخرابی بلاد و تفرقه عباد، سبب بازخواست و مواخذة اخروی گردد - تحصیل ثوابت را در نظر داشته، از برهان پور، روانه این سمت شد و در آن وقت، غیر آن دشمن دین مبین آن والا مرتبت، که مخالفت با او گناه باشد، در میان نبود -

و قطع نظر ازین چون فتح و ظفر، بی اعانت الهی که نتیجه اطاعت است، رو نمی‌دهد، بر تقدیری که قصد این مرید صواب نمی‌بود، حق تعالی را خوش نمی‌آید، چگونه این نیازمند درگاه، بگوناگون تائیدات اختصاص می‌یافت - خدا نخواست اگر بحمایون آنحضرت، اندیشه آن بدکیش از قوه بفعل می‌آمد و عالم از ظلمت کفر و عدوان تاریک گشته، کار شرع شریف از رونق می‌افتاد، روز جزا از عهده جواب بر آمدن، بغایت صعب و دشوار باشد - درین صورت در برابر آنچه بتقدیر مالک الملک قدیر بتمنص ظهور آمده، شکرها واجب است -

حقوق تربیت، بر ذمه این مرید افزون‌تر از آنست که سپاس‌گزاری آن مقدور تواند بود و حاشا که آن‌همه تفضلات را فراموش ساخته، برای چند روز زنده‌گی کدورت خاطر ولی نعمت را روا دارد - نمی‌داند که جز آنچه بخواهش و مشیت الهی بجهت مصلحت ملک و ملت، واقع گردیده، از این مرید کدام بدی نسبت بآنحضرت شریفه رسید؟

مقدمه شورش پادشاهزاده شجاع امری نیست که بر کسی مستور بوده باشد - یا آن را وسیله تشریف نیاوردن اعلی حضرت، بدار الخلافه قرار توان داد - چون مردم ایشان باندیشه ستیز و پرخاش از شهر پتته روان شده، داخل بنارس گردیده‌اند، این مرید بخانه زاد نوشته که بدان صوب بشتابد و متعاقب، خود نیز از شاه‌جهان آباد بان طرف نهضت خواهد نمود - انشاءالله تعالی بعد از آنکه خاطر از آن حدود و پیردازد، نوعی که معروض دانسته، سعادت خویش دانسته، سرانجام ضروریات سفر خواهد کرد - و اضافه و رعایتی که بمردم نموده، از چنان که از چهار طرف گرد فتنه برخاسته بود، اگر بفعل نمی‌آمد، این گروه زر بنده، چسان همراهی می‌نمودند و بدون آن چگونه کار از پیش می‌رفت - خطابه ای که در این هنگام داده می‌شود، اگر خطابه ای که پیش ازین بمردم تجویز رفته، سنجیده آید، شاید هویدا گردد که کدام طایفه بچنین عنایات شایسته‌تر بوده‌اند -

از مطنه‌های فاسد پادشاهزاده کلان، آنچه بیگم صاحب جی [جهان آرا بیگم] ظاهر ساخته‌اند - گل اولست - بعد از آنکه خبث طینت و اعتقاد باطلش، مفصلاً بعرض برسد، معلوم خواهد شد که از چه قماش آدمی بوده و دفع او چه قسم عطیه است -

صحت و عافیت، قرین روزگار فرخنده آثار باد و سایه بلند پایه مستدام بمانند! [آداب عالمگیری؛ ج ۲، صص ۱۱۳۲ - ۱۱۳۵]

یک نماینده مجلس:

# وزیر دفاع از محاصره ولسوالی جانی خیل با خبر نبود

## وزارت دفاع:

# عملیات واپس گیری در راه است

ابوبکر صدیق

۵۵ تن از منسوبان پولیس در جنگ با ملیشه های پاکستانی در ولسوالی جانی خیل شهید شده اند. یک نماینده مردم پکتیکا در مجلس نماینده گان با بیان این مطلب به روزنامه ماندگار می گوید: وقتی از وزیر دفاع خواهان کمک به ولسوالی جانی خیل شده اند، دریافتند که وزیر دفاع از محاصره این ولسوالی بی خبر بوده است.

این منبع می گوید که در جنگ با ملیشه های پاکستانی در ولسوالی جانی خیل ۵۵ تن از منسوبان پولیس کشته شده اند و دولت مرکزی هیچ توجهی به این ولسوالی نکرده است.

اما، مسوولان در وزارت دفاع می گویند که عملیات پس گیری ولسوالی جانی خیل آغاز شده است.

این دردد حالی است که بانو راضیه سعادت منگل نماینده مردم پکتیکا در مجلس می گوید که هیچ عملیات تا هنوز در این ولسوالی از طرف دولت راه اندازی نشده است.

دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع ملی، در مصاحبه با روزنامه ماندگار می گوید: در ولسوالی جانی خیل که در حال حاضر زیر کنترل طالبان قرار دارد، گروه حقانی در تلاش ایجاد یک پایگاه است. اما نیروهای امنیتی کشور به هیچ گروهی مهلت ایجاد مراکز تروریستی را در این خاک نمی دهند.

آقای وزیری گفت که فرمانده قول اردوی ۲۰۳ تندر با قطعات ویژه نیروهای امنیتی در ولسوالی جانی خیل حضور دارند و عملیات پس گیری این ولسوالی از جنگ دشمن آغاز شده است؛ اما به علت این که طالبان



در تمام راه های ورودی به این ولسوالی ماین فرش کرده اند، این عملیات به کندی پیش می رود. به گفته آقای وزیری، قطعات خاص پولیس، پولیس سرحدی، ارتش ملی، قطعه کماندو و قطعه هوایی ارتش در اطراف مرکز ولسوالی جانی خیل عملیات را آغاز کرده اند که به زودی این ولسوالی را از وجود طالبان پاکسازی خواهند کرد.

سخنگوی وزارت دفاع در رابطه سقوط ولسوالی جانی خیل به دست طالبان می گوید که فشار دشمن بیشتر از این بود که نیروهای مستقر در آن ولسوالی بتوانند از آن دفاع بکنند. او گفت: جنگ در ولایت متعدد کشور جریان دارد و علت نرسیدن نیروهای حمایتی به این ولسوالی نیز همین مسأله است.

همچنان، آقای وزیر تصریح کرد که در ولایات کندز، بدخشان، نورستان، هلمند، ننگرهار و... عملیات طرح شده پاکسازی از دشمن راه اندازی می شود.



اما، راضیه سعادت منگل نماینده مردم پکتیکا در مجلس می گوید: در طول یک ماه که ولسوالی جانی خیل تحت محاصره قرار داشت، چندین مرتبه به نهادهای امنیتی، وزارت داخله، دفاع و شورای امنیت مراجعه کرده خواهان کمک شده است؛ اما توجهی صورت نگرفته و روز پنج شنبه گذشته ولسوالی به دست ملیشه های پاکستانی سقوط کرده است.

بانو منگل افزود: در حمله تهاجمی ملیشه های پاکستانی به ولسوالی جانی خیل ۵۵ تن منسوبان پولیس که در محاصره قرار داشتند، شهید شده اند.

به گفته بانو منگل، ولایت پکتیکا را آقای اشرف غنی به دین محمد تحفه داده است و فرزند بیست و چند ساله دین محمد را والی تعیین کرده که در حال حاضر در ولایت حضور ندارد.

بانو منگل دولت مرکزی را به بی توجهی متهم کرده، می گوید که "وقتی از وزیر خواهان کمک به ولسوالی

جانی خیل شده، وزیر دفاع از محاصره این ولسوالی به دست دشمن آگاه نبود. او هم چنان، ادعا می کند که رهبری حکومت محلی پکتیکا بسیار ضعیف است. این نماینده مردم می گوید که نیروهای امنیتی به ولسوالی سمکنی رسیده اند؛ اما داخل ولسوالی جانی خیل نشده اند و عملیاتی که وزارت دفاع ادعا می کند که آغاز کرده هنوز آغاز نشده است.

بانو منگل تأکید می کند که به اثر سقوط ولسوالی جانی خیل شمار زیاد باشندگان آن مجروح و کشته شده اند و جسد مرده ها در میدان باقی مانده که هیچ رسیده گی برای شان صورت نگرفته است. بانو منگل تصریح کرد سه تن از ملیشه های پاکستانی در این جنگ توسط مردم محل بازداشت شده بودند، ریش و بروت مصنوعی داشتند. او گفت در این جنگ برخی از منازل مسکونی را ملیشه های پاکستانی به آتش کشیده اند.

با نو منگل، رهبران دولت را به زد و بندهای داخلی متهم کرده گفت: اگر توجه صورت نگیرد، پس از سقوط ولسوالی جانی خیل هفت ولسوالی دیگر پکتیکا در خطر سقوط قرار دارد.

ولسوالی جانی خیل ولایت جنوب شرقی پکتیکا روز پنجشنبه گذشته به دست طالبان سقوط کرد که گفت می شود رهبری این حمله را گروه تروریستی حقانی به دست داشته است.

عبدالرحمان زرمتمی، ولسوال جانی خیل به رسانه ها گفته است که او و افرادش ۹ روز تحت محاصره قرار داشته اند؛ اما هیچ نیروی کمکی برای شان نرسید و ولسوالی به دست طالبان سقوط کرده است.

آقای زرمتمی گفته که او با ۹۰ تن از افرادش در برابر ۱۲۰۰ طالب می جنگیدند و ۲۳ تن از افرادش کشته شده و شمار مجروح شده اند و در این جنگ ۱۳۰ طالب کشته شده است.

همچنان، جنت خان سمکنی معاون شورای ولایتی پکتیکا گفته است که برخی از منسوبان نیروهای امنیتی در تلاش واپس گیری ولسوالی بوده اند؛ اما این نیروها به حمایت هوایی نیاز داشتند که در دست رس نبود.

گروه حقانی که رهبری این حمله را به دست داشته است، پس از ولسوالی جانی خیل در تلاش سقوط ولسوالی سمکنی است و می خواهد یک پایگاه تروریستی را در این ولایت ایجاد کند.

## ظریف به ربانی:

### اعتقادی به تروریسم خوب و بد نداریم

صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه افغانستان دیروز در تهران با جواد ظریف وزیر خارجه ایران دیدار کرد.

محمدجواد ظریف در این دیدار ضمن ابراز خیرمقدم به همتای افغانستانی خود ابراز داشت: کشور افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت به سزا و ویژه یی برخوردار است و همانطور که بارها در ملاقات با تمامی مقامات افغانستانی اعلام کرده ام، پیشرفت، ثبات و امنیت شما را ما نیز پیشرفت، ثبات و امنیت خود می دانیم.

وی همچنین تأکید کرد البته موضوع امنیت برای هر دو کشور ما از اهمیت خاصی برخوردار است و لازم است طرفین همواره به رایزنی های مستمر خود در این خصوص ادامه دهند.

دکتر ظریف با تأکید بر گسترش پدیده شوم افراط گرایی و تروریسم در منطقه بر ضرورت مبارزه با تروریسم تأکید کرد و گفت: ما اعتقادی به تروریسم خوب و بد نداریم و لازم است با تمام گروه های افراطی و تکفیری مقابله شود.

صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه کشور در این ملاقات گفت: این دیدارها بیانگر اهمیتی است که جمهوری اسلامی ایران برای دولت و ملت افغانستان دارد.

وزیر امور خارجه افغانستان در ادامه از رهبران ایران در خصوص صدور مجوز تحصیل کودکان افغانی در جمهوری اسلامی ایران تشکر و قدردانی کرد.

وی همچنین بر اهمیت بندر چابهار برای توسعه افغانستان تأکید کرد و گفت: این بندر قادر خواهد بود نقش بسزایی در توسعه و آبادانی افغانستان ایفاء نماید.

همچنین طرفین در خصوص تشکیل کمیته آب، لزوم صدور پاسپورت الکترونیکی برای افغانستانی ها، تعرفه کمرگی، قانونمند کردن حضور مهاجران افغانستانی در ایران، تخفیف مجازات و تبادل زندانی ها، مبارزه با جعل اسناد کنسولی، موضوع ترانزیت و مشارکت و همکاری دو کشور در اجلاس های منطقه یی و بین المللی رایزنی و تبادل نظر کردند.

همچنان وزیر خارجه کشور دیروز با دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ایران دیدار کرد.

علی شمخانی در این دیدار گفته است: رونق اقتصادی در مناطق مرزی و بهره مند شدن مردم محروم این مناطق موجب کاهش زمینه های حضور و فعالیت گروه های تروریستی و تقویت ثبات و امنیت برای ایران و افغانستان خواهد شد.

پیشتر آقای ربانی با علی لاریجانی رییس مجلس ایران دیدار کرده بود.

## کوته کی سلگونه افغانی کډوال نیول شوي او افغانستان ته اړول کېږي

خلکو پر مور پاتې دي، مور ته دې د خپلو کاروبارونو د ختمولو لپاره وخت راکړل شي. " څرگنده نه ده چې د افغان کډوالو د نیولو دا لړۍ به شومره وخت دوام وکړي، هڅه مو وکړه چې په دې اړه د ملېشه ځواکونو له ویاند سره خبرې وکړو خو بریالی نه شو. په کوته کې د افغانستان جنرال قونسل ښاغلي وحیدالله مومند ازادي رادیو ته د خپلو مالوماتو پر اساس وویل چې په تېرو څو ورځو کې شاوخوا شپږ سوه افغان کډوال نیول شوي دي. ښاغلی مومند وایي، د بلوچستان له چارواکو او «یو، ان، ایچ، سي، آر» سره یې په دې اړه خبرې شوې دي او هیله من دی چې وایي، دا لړۍ به پورته ژر تم شي.

دی زیاتوي:

"په دې هکله مو د وزیر اعلی، افغان کمېشنر او یو، ان، ایچ، سي، آر له دفترونو سره خبرې شوې دي، هغوی وایي چې مور د ملېشه ځواکونو له دفتر سره خبرې کوو، خو علت یې مالوم نه دی چې افغان کډوال ولې نیول کېږي، دا چې نیول شوي ټول غریب کاره خلک دي او اکثریت یې مهاجر کارتونه هم لري، ماشومان هم په کې شامل دي. زموږ سفیر صاحب په اسلام آباد کې له پاکستانی چارواکو سره خبرې کړي دي هغوی ورته ویلي چې دا پروسه به ودرول شي او نیول شوي افغانان به خوشې شي." د یادونې وړ ده چې په بلوچستان کې پخوا هم افغان کډوال د قانوني اسنادو د نلرلو په جرم نیول شوي او تر پولې افغانستان اړول شوي دي، خو دا ځل په دومره زیات شمېر افغان کډوال په داسې حال کې نیول کېږي چې څو ورځې وړاندې شاوخوا ۱۰۰ تنه پاکستانیان چې په کندهار کې د کار پر مهال نیول شوي وو، پاکستان ته راواړول شول.

ده چې مور ته وخت راکړل شي او له افغان حکومته غواړو چې هلته زموږ غم وخورل شي چې خپل وطن ته په عزت لاړ شو. د کوټې د تجارانو اتحادیې د دوشنبې په ورځ د ملېشه ځواکونو له خوا د افغان کډوالو خصوصاً د افغان تجارانو نیول په یوه احتجاجي مظاهره کې وغندل او له حکومت یې غوښتنه وکړه چې دغو افغان کډوالو ته باید افغانستان ته د ستنېدو لپاره ټاکلی وخت ورکړل شي، نه دا چې د اوس غونډې په بې عزتۍ نیول کېږي او تر پولې اړول کېږي.

د تجارانو اتحادیې مشر عبدالرحیم کاکړ وایي:

"افغان مهاجر او افغان دوکانداران دلته جایادونه لري، دوی ته باید ټاکلې نېټه اعلان شي چې دوی دا خپل دوکانونه او جایادونه خړخ کړي او بیا لاړ شي. سپین ږيري او سپین سړي مور پلار یې په کور کې وي یې زامن تر پولې واړوي کورنۍ ورپسې پرېښانه وي. د هر سړي په میلیونون او میلیاردونو روپۍ دلته بندې دي." د کوټې تجاران خبرداری ورکوي، که د افغان کډوالو چې اکثریت یې تجاران او مزدورکاره خلک دي د نیولو لړۍ تم نه شي، نو دوی به یې پر ضد احتجاج پیل کړي او تر هغه وخته به د بلوچستان د اعلی وزیر د دفتر مخته ناست وي چې حکومت ورته د افغان کډوالو د نه نیولو ډاډ نه وي ورکړي.

په احتجاجي مظاهره کې شریک د هلمند ولایت اوسېدونکی یو افغان تجار لالی وایي، په کوټه کې په زرگونو افغانان تجاران کاروبار کوي چې وایي له هغوی څخه په تېرو ورځو کې تر زرو زیات کسان نیول شوي دي.

لالی زیاتوي:

"مور افغان تجاران دا غواړو چې مور خپل مالونه وپلورو، مور خپلې پیسې راټولې کړو، زموږ پر خلکو پیسې پاتې دي د

کوته کې په تېرو څو ورځو کې شاوخوا ۵۰۰ تنه افغان کډوال نیول شوي او تر پولې افغانستان ته اړول کېږي. په دغو نیول شويو کسانو کې گڼ شمېر کارټ لرونکي افغانان هم شامل دي.

د کوټې سوداگر د افغان تجارانو نیول غندي او د افغانستان جنرال قونسل وایي، په دې اړه یې د بلوچستان له چارواکو سره خبرې کړي او ژر به دا لړۍ پورته تم شي.

له تېرو ۱۲ ورځو راهیسې د پولدک- چمن تر منځ تړلې پوله لا نه ده پرانیستل شوې او افغانستان ته په لسگونو ستنېدونکي کورنۍ هم لا د پولې د تړل کېدو له امله بندې پاتې دي، خو دلته په کوټه کې د افغان کډوالو د نیول کېدو لړۍ پیل شوه.

د ملېشه ځواکونو له خوا په خپره شوې اعلامیه کې ویل شوي چې په تېرو دوو ورځو کې یې شاوخوا ۳۵۰ هغه افغانان چې قانوني اسناد یې نلرل، نیولي او تر پولې یې افغانستان ته اړولي.

په دې ترڅ کې د یکشنبې په ورځ د کوټې په ختیځه سیمه کې یوه دیني مدرسه هم تړل شوې او له هغې څخه سل تنه افغان ځوانان نیول شوي چې وایي، له قانوني اسنادو پرته یې دیني زده کړې کولې.

د ملېشه ځواکونو نیول کېدو په کوټه کې پر مېشتو افغان کډوالو ځمکه سره کړي او ډېری یې له ډاره خپلو کارونو او مزدوریو نه نه شي تللای.

د کوټې په نوې اډه کې د شریو یو دوکاندار افغان نجیب الله وایي، د ده د تره زوی او نور خپلوان نیول شوي خو ده په تېښته له ملېشه سرتېرو ځان خلاص کړ.

نجیب الله وایي:

"مور ډېرش- پنځه ډېرش کاله دلته تېر کړي بیا مو هم دوی په ذلالت باسي زموږ ژوند یې تباه کړی، تر چمنه پورې مو بیایي او تر پولې مو اړوي، د کارټو والا یې هم نیولي کارتونه یې ځینې ځیرلې دي، زموږ غوښتنه دا

**فیسبوک نامه**

حسب معترف



لوی سارنوال یا کامران علیزایی؟  
مسأله این است

رهایی و لغو ممنوع الخروج بودن کامران علیزایی عضو شورای ولایتی هرات، یکبار دیگر اراده حکومت وحدت ملی برای مبارزه با فساد را به آزمون گرفت. کامران علیزایی از قاچاقبران و جنایت پیشه گان معلوم الحال در غرب کشور است که از حمایت و نوازش چند مقام بلندرتبه در کابل برخوردار می باشد، چندی پیش پس از آن که یک مجرم را از سارنوالی هرات فراری داد و سارنوالان را مورد ضرب و شتم قرار داد، از سوی لوی سارنوال کشور ممنوع الخروج و وظیفه اش به حالت تعلیق درآمد. اما پس از آن، موضوع به ارگ رسید، حکم لوی سارنوال کشور ملغا و کامران دوباره به وظیفه اش برگشت. متأسفانه قصه مبارزه با فساد در حکومت وحدت ملی، قصه تراژید و پُر دردی است. برخلاف آنچه در ظاهر امر مبنی بر ضد فساد گفته می شود، در پشت پرده این مبارزه کاملاً گزینشی و سیاسی می باشد. عطش شهوتناک برای انحصار و تمرکز قدرت در ارگ، باعث شده است تا اعتبار، حیثیت و آبروی بسیار از نهادهای و افراد حقوقی در ساختار دولت به بازی گرفته است. رهبری حکومت وحدت ملی به جای این که خود را مکلف به دفاع از حکم لوی سارنوال مملکت - شخصی به غایت پاک و نیک می باشد، بداند، برعکس در این قضیه جانب یک قاچاق بر جنایت پیشه معلوم الحال را می گیرد و اعتبار و حیثیت نهاد سارنوالی کشور را زیر پرسش می برد. لوی سارنوال کشور که چندی پیش از حمایت و پشتیبانی رهبران حکومت وحدت ملی از تصامیم و اقدامات این نهاد در مبارزه با فساد به مردم اطمینان داد، اما در عمل دیده می شود که این پشتیبانی و حمایت، نهایتاً سیاسی و گزینشی می باشد. حکومتی که حیثیت و آبروی نهاد سارنوالی و شخص دادستان کل کشور را در برابر یک جنایت پیشه، نادیده می گیرد، معلوم است که شعار مبارزه با فساد جز یک عوام فریبی و سخن کمپاین، چیزی بیش نیست!

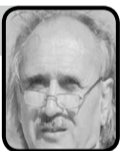
**جمشید یما امیری**



دموکراسی نیم بند و در چتر آن، فعالیت جامعه مدنی، رسانه های آزاد و راه اندازی گردهمایی ها و اعتراضات مسالمت آمیز و دموکراتیک، عمده ترین دست آورد یک ونیم دهه پسین است. این دست آورد با هیچ چیز دیگری نباید معاوضه شود. ماندگاری و استمرار روندهای مدنی و دموکراتیک، بستر را برای ایجاد یک جامعه پویا و آگاه فراهم می سازد. افغانستان در تاریخ خویش، از گسست ها و انقطاع به جود آمده، بیشترین زیان را دیده است. از این رو، باید با حرکت ها و جنبش های اجتماعی سیاسی با تحمل، مدارا و تسامح برخورد صورت گیرد. نقد و اعتراض خصیصه جوامع مدرن و در حال گذار است. این روند نباید متوقف شود. استبداد و خودکامگی، درهای گفت و گو و تفاهم را می بندد و انجماد و رکود را جای گزین می سازد.

به هر قیمتی باید مردم سالاری و آزادی پاس داشته شود و به بند کشیدن ها متوقف گردد.

**پرتو نادری**



من هیچ گونه مکلفیتی ندارم؛ آن گونه بیندیشم که این یا آن آقا می اندیشد. به شمار همه انسان های جهان رنگارنگی اندیشه، حس و عاطفه و جود دارد. اندیشه یک واژه است؛ اما هزاران هزار جلوه در مفهوم خود دارد. آنانی که می اندیشند که گویا همه حقیقت جهان در اندیشه آنان و آیین آنان و در فرهنگ آنان تجلی یافته است، اندیشه آنان، آیین آنان و فرهنگ آنان برگزیده جهان است، چنین اندیشه و سخنی از جنجور آنانی بیرون می شود که خرد بیمار دارند، یا هم خرد خود در یکی مغاره تاریخ فراموش کرده اند.

ما رمه گوسفندان نیستیم، که یکی به سوی گریخت همه گان به آن گریزد. برای آن که رمه گوسفندان اختلاف اندیشه ندارند. شکوه جامعه انسانی در گوناگون گونی اندیشه ها، فرهنگ ها و آیین های آن است. اگر آنانی که می خواهند با توسل به «اسیمیلیشن» استبداد هم گان را در خود حل کنند و همه گان را مانند خود سازند، در حقیقت در برابر خداوند قیام کرده اند. اگر به خداوند یآوری ندارد، آن گاه نگاهی به خود اندزند و در انسان بودن خود شک کنند. برای آن که چنین اندیشه هایی انسانی نیست!

جامعه انسانی یعنی من هم هستم، با زبانم، با تاریخم با فرهنگم. شاید مرا دوست نداشتی، اما من هستم با تاریخ خود با هویت خود، با زبان خود و با فرهنگ خود. همه را نا بود می کنی، بفرمای به گفته قدیمیان: این گز و این میدان! تو که به از بین بردن من، تاریخ و فرهنگ من کمر بسته ای! بدان در آن صورت خود نیز نابود می شوی!

آن که انسان و فرهنگ دیگری را در کنار خود نمی تواند تحمل کند، باید بداند که هنوز انسان غریزی است. از انسان غریزه تا انسان مدنی تا آن ویژه گی ها برتر انسانی فاصله بسیار است. انسان غریزی انسان مدنی نیست، انسانی غریزی هنوز از مرز پستان داران دیگر این سو گامی نگذاشته اند!

باید انسان های غریزی را انسان مدنی ساخت نه این که در برابر تاریخ و مدنیت گریم و دوباره بر گردم به مغاره های تاریخ غرایز!

**اردوغان:**

**کشورم مجازات مرگ می خواهد**

رییس جمهوری ترکیه بار دیگر گفت که اگر پارلمان کشورش به بازگشت مجازات اعدام رأی دهد، آن را تایید خواهد کرد. این اظهارات در پی کودتای ناکام ماه گذشته و با هدف مجازات عاملان مربوطه مطرح می شود.

رجب طیب اردوغان، رییس جمهوری ترکیه در جمع حامیانش گفت: کشورم مجازات مرگ می خواهد. این تصمیم بر عهده مجلس ملی بزرگ ترکیه است. ما تروریست هایی که به آسیب زدن به کشور تهدید می کنند، نابود می کنیم. آن ها را همانند یک سلول سرطانی پاکسازی می کنیم. ما آن ها را پیدا کرده و مجازات می کنیم.

مجازات اعدام در ترکیه تا سال ۲۰۰۴ قانونی بود. با این حال، این مجازات در عمل از سال ۱۹۸۴ اجرا نشده است. مجازات اعدام محل بحث و جدل های بسیاری در ترکیه شده است و بسیاری نگرانند که از سرگیری آن می تواند پیوستن به اتحادیه اروپا را تحت الشعاع قرار دهد. مجازات اعدام مغایر منشور حقوق بشری اتحادیه اروپاست.

اردوغان که به شهر غازی آنتپ رفته بود که هفته گذشته یک بمب گذاری انتحاری یک مجلس عروسی را در آن جا هدف گرفت، گفت: ترکیه تسلیم هیچ گونه تروریسمی نمی شود. این خاینان در خونی که ریخته اند غرق می شوند. ترکیه تسلیم هیچ گونه سازمان تروریستی و یا روش تروریستی نمی شود.

رییس جمهوری ترکیه افزود: می دانیم که چه کسانی پشت این حمله هستند. ترکیه اکنون با حملاتی از جانب داعش و نیز پ.ک.ک. رو به روست و علیه پ.ک.ک. و ی.پ.د. در سوریه از "ارتش آزاد سوریه" حمایت می کند. ترکیه هیچ گونه فعالیت سازمان های تروریستی در داخل و نزدیکی مرزهایش را نمی پذیرد. عملیات های ما علیه این سازمان جدایی طلب بدون وقفه ادامه می یابد.

اردوغان هم چنین با اشاره به عملیات های ترکیه در جرابلس سوریه و عملیات آموزشی در شمال عراق گفت: ما برای همین در جرابلس هستیم. اگر لازم باشد، برای به دست گرفتن مسوولیت ها در سایر مناطق تردید نمی کنیم. اراده ترکیه در امحای پ.ک.ک./پ.د.ی همانند امحای داعش است.

**مرکل:**

**تلاش برای ممانعت از ورود آواره گان مسلمان غیر قابل قبول است**

صدراعظم آلمان تمایل برخی کشورهای اروپایی برای عدم صدور مجوز ورود به برخی آواره گان مسلمان را غیر قابل قبول خواند.

درحالی که آلمان خواستار سهمیه بندی تقسیم آواره گان در میان کشورهای اتحادیه اروپاست، آنگلا مرکل، صدراعظم این کشور در اظهاراتی، امتناع برخی کشورهای اتحادیه اروپا از پذیرش آواره گان، صرفاً به این خاطر که مسلمان هستند، را غیر قابل قبول خواند.

مرکل در مصاحبه با شبکه تلویزیونی دولتی «ای آر دی ARD» آلمان در این باره گفت: این که برخی از کشورها می گویند به طور کلی نمی خواهند مسلمان ها به خاکشان وارد شوند، ابتدا پذیرفتنی نیست.

او بار دیگر با تأکید بر پیشنهادش مبنی بر سهمیه بندی تقسیم آواره گان میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، تصریح کرد؛ هر کس باید سهمی از این مسأله داشته باشد و برای این بحران، باید به دنبال یک راه حل مشترک باشیم.

آلمان در سال ۲۰۱۵، حدود یک میلیون آواره را در خاک خود پذیرفت که اکثر آن ها از سوریه، عراق و افغانستان بودند.

پیش از این، زیگمار گابریل، معاون صدر اعظم آلمان با انتقاد از سیاست های پناهنده گی مرکل و تأکید بر این که ما زمان زیادی را در حل این بحران از دست داده ایم، پذیرش سالانه یک میلیون پناهنده را برای کشورش غیر قابل تصور دانست.

معاون صدر اعظم آلمان در مصاحبه تابستانی خود با "زد-دی-اف" آلمان خواستار در نظر گرفتن سقفی برای یک پارچه سازی پناهنده گان شده بود.

**بانوان فوتبال است افغانستان در انتظار لیگ برتر بانوان**



فدراسیون فوتبال افغانستان برای برگزاری لیگ بانوان آماده گی می گیرد. تیم فوتبال دختران، ده سال پیش با امکانات ابتدایی راهش را به میدان بازی باز کرد و تا حالا در دو لیگ داخلی بازی کرده است.

اولین مسابقه بیرون مرزی شان در سال ۲۰۰۸ میلادی در برابر پاکستان بود.

دختران فوتبالی ست افغانستان با وجود چالش های امنیتی، اما زنجیرهای گره خورده در رسم و رواج را شکسته و راه میدان در پیش گرفته اند. این راه کم هزینه نداشته و برای بسیاری، هزینه آن سنگین هم بوده است.

در ورزشگاه موسوم به میدان سبز، تیم های فوتبال دختران، بازی دوستانه برگزار کرده اند. سنت های حاکم در افغانستان آن ها را مجبور کرده تا با روسری و حجاب سر تا پا وارد میدان شوند. در جریان تمرین تیم های دختران، اجازه ورود به مردان داده نمی شود، اما تماشاچی زن نیز در میدان دیده نمی شود.

در کنار آماده گی برای بازی در خارج از کشور، تیم های دختران برای حضور در لیگ برتر بانوان که سومین دور آن قرار است برگزار شود، آماده گی می گیرند. اما هنوز زمان برگزاری سومین لیگ برتر بانوان معلوم نیست. در دو سال گذشته لیگ برتر بانوان در مرحله نیمه نهایی لیگ برتر افغانستان برگزار می شد.

به گفته مسوولان فدراسیون فوتبال افغانستان، هدف از تمرینات تیم های فوتبال دختران، حضور در مسابقات خارج از کشور است. علی کاظمی، مسوول مطبوعاتی فدراسیون فوتبال افغانستان، دست آورد تیم فوتبال دختران را چشم گیر می داند.

او می گوید: برعلاوه دو لیگ در کابل، "در ولایت بلخ ده تیم بانوان، در ولایت هرات هشت تیم، در بامیان چهار تیم، در سرپل یک تیم و در بسیاری از ولایات دیگر تیم های منتخب بانوان فعال است."

ده ها تیم فوتبال دختر در کابل و ولایات افغانستان ثبت اداره ورزش شده اند. علاقه مندی دختران در کشور به فوتبال زیاد شده و هر روز شمار بیشتر به جمع این تیم ها می پیوندند.

هاجر ابوالفضل، دختر ۲۸ ساله افغانستان، هشت سال پیش عضو تیم فوتبال دختران شد. او در دو لیگ سال های قبل برای تیم ملی بازی کرده است.

هاجر می گوید که حالا برای چهارمین دور برای تمرینات کمپ راهی امریکا است. در تمرینات کمپ، برعلاوه بازیکنان افغانستان، فوتبالیستان از سایر کشورها نیز شرکت می کنند.

هاجر بند کفش هایش را می بندد تا در میدان سبز در فاصله نزدیک غازی استادیوم با دیگر بازیکنان تمرین کند.

ورزشگاه غازی از محلات معروف ورزشی در کابل است. در زمان حاکمیت گروه طالبان، این استادیوم شاهد اجرای احکام مجازات، از جمله اعدام و سنگسار افرادی بوده که توسط این گروه مجرم شناخته می شدند.

گروه طالبان در دهه نود، یک زن را به جرم زنا در همین ورزشگاه به گلوله بست و تصاویر آن را منتشر کرد.

میدان سبز محل تمرین تیم های مطرح افغانستان است. برای هر تیم هم اجازه بازی در این میدان داده نمی شود. تیم های دختران اما بدون محدودیت در این جا تمرین می کنند.

هاجر ارزیابی اش را از فوتبال تیم های دختران و پسران چنین بیان می کند: "فوتبال مردان را نمی توانیم با تیم دختران مقایسه کنیم. اگر در مورد تیم خود ما بگویم، ما از جایی که آغاز کردیم حالا خیلی امکانات داریم. فدراسیون هم میدان سبز را در اختیار ما گذاشته."

تیم فوتبال ۱۷ سال دختران در ماه اکتبر امسال در برابر بازیکنان هندی به مصاف می روند. برد در این بازی آرزوی مرسل عضو این تیم است.

او می گوید: "برای مسابقه ماه اکتبر با هند آماده گی می گیریم، امیدوارم بتوانیم برای افغانستان افتخار کسب کنیم."

به شمول کابل، در هفت ولایت کمیته فوتبال دختران فعال است. شمار بازیکنان فوتبالی ست دختر حالا از مرز یک هزار گذشته و عطش ورزش هر روز به جمعیت شان می افزاید.

# Mandegar

## خون‌های هدر رفته

# در یک جنگِ نافرجام



عزیز الله آریانفر

## رؤسای دولت به توافقاتی دست یافتند

دفتر ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان گفته است که غنی و عبدالله در سومین نشست شان «به توافقاتی دست یافته اند.» در همین حال یک سازمان سیاسی اجتماعی پیشنهاد کرده است که یک شورای ۱۵-۲۰ نفره از کارکنان حکومت وحدت ملی نظارت کند و مانع اختلافات درون حکومتی گردد.

دو هفته پیش اختلافات سیاسی بین رئیس جمهور غنی و دکتر عبدالله رییس اجرایی، زمانی آشکار شد که عبدالله انتقادهای تندی از اشرف غنی کرد. پس از آن دو رهبر حکومت وحدت ملی سه بار باهم دیدار کردند که آخرین آن روز یک شنبه صورت گرفت.

دفتر ریاست اجرایی در یک اعلامیه مطبوعاتی گفته است که «در این نشست کاری» به ادامه بحث‌های قبلی "رئیس جمهور و رئیس اجرایی در باره اصلاح نظام انتخاباتی" توزیع تذکره الکترونیکی "تشکیل کمیسیون تعدیل قانون اساسی و تعیین اعضای کمیته نظارت بر تطبیق توافقاتی سیاسی به توافقاتی دست یافتند که در جریان هفته به صورت رسمی اعلان می‌گردد».

جاوید فیصل، معاون سخنگوی رییس اجرایی به رسانه‌ها گفت که روی این چهار موضوع توافق شده و در هفته جاری تا روز جمعه روی در مورد مسایل دیگر اقدامات عملی صورت می‌گیرد.

او راجع به زمان اجرا شدن این توافقات، مثلاً شروع شدن توزیع تذکره‌های الکترونیکی معلومات نداد و گفت که فعلاً توافق شده است و در مورد چگونگی و زمان شروع آن باید از نظر فنی کار صورت بگیرد.

پیشنهاد ایجاد یک شورای نظارتی

در همین حال، احزاب و جریان‌های سیاسی و مدنی افغانستان حالا نگران ادامه اختلاف‌ها هستند. برخی از احزاب سیاسی با انتقاد از رهبران حکومت گفته‌اند که این اختلافات حکومت داری را به شدت ضربه می‌زند و فساد و رشوه‌ستانی در ادارات را بیشتر می‌کند.

سازمان سیاسی اجتماعی حرکت ملی افغانستان واحد روز دوشنبه در یک گردهمایی در کابل خواستار ایجاد یک شورا شد که صلاحیت نظارت از کارکرد حکومت و جلوگیری از اختلاف بین دو رهبر را داشته باشد.

ظاهر هاشمی، استاد دانشگاه و معاون حرکت افغانستان واحد در این گردهمایی گفت که این حرکت طرح جامعی را برای بهبود حکومت داری و جلوگیری از اختلاف بین دو رهبر حکومت تهیه کرده است: «پیشنهاد مهمی که در این طرح وجود دارد این است که یک شورای عالی از شخصیت‌های با بصیرت، ملی و کسانی که دست شان در خون مردم آلوده نیست، تشکیل شود.»

حرکت ملی افغانستان واحد می‌گوید در رابطه به این طرح با مقام‌های دولتی گفتگو می‌کند و در صورت پذیرش طرح از جانب حکومت، جزئیات آن را در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد داد.

از جانب دیگر، گروه کاری مشترک جامعه مدنی اخیراً در یک کنفرانس خبری در کابل از رییس جمهور و رییس اجرایی خواست تا به اختلافات شان پایان دهند. این گروه تاکید کرد که فراهم کردن زمینه برگزاری انتخابات عادلانه، آزاد و فراگیر به منظور تامین مشروعیت آینده نظام و حفظ دستاوردهای سال‌های اخیر، مهمترین مسوولیت‌های حکومت کنونی است.

توریالی اچکزئی، از اعضای رهبری حرکت ملی افغانستان واحد در این گردهمایی گفت: «جنگ ادامه دارد. دشمنان هر روز به شهرها نزدیک می‌شوند و تنها شهرها باقی مانده اند.»

اختلافات در سطح رهبری حکومت زمانی بروز کرده است که دو شهر مهم افغانستان در محاصره طالبان قرار دارد و نیروهای دولتی حداقل در چهارده ولایت مصروف نبرد سخت با طالبان هستند. این نگرانی وجود دارد که اختلاف در رهبری حکومت سبب ضعف در مدیریت جنگ می‌شود و شورشیان فرصت و فضای بهتری برای پیشروی و موفقیت در میدان جنگ پیدا می‌کنند.

آقای هاشمی تاکید کرد که اختلافات بین دو رهبر حکومت افغانستان را به سوی بحران شدیدتر می‌برد: «حالا ما به حکومت کاری نداریم ولی از آینده افغانستان هراس داریم. ساختارهای حکومت ما مطابق قانون اساسی تشکیل نشده و آنچه حکومت انجام می‌دهد با بی‌برنامگی، ما را به طرف یک سقوط محتوم می‌کشاند.»



جغرافیای پشت جبهه آن‌ها و در درون نهادهای دولتی با قاطعیت برخورد شده و عقب جبهات آن‌ها متلاشی شود.

۷. ولایاتی که تصفیه تروریستان در آن ممکن است، باید با ضربات قاطع و خردکننده هرچه زودتر پاک گردند تا دولت نیز به یک پشت جبهه مطمئن و پایدار دست یابد.

۸. با رعایت قاعده «دشمن دولت، دشمن مردم» و «توریزم به هیچ قومی متعلق نیست»، هر نوع سمپاتی قومی و احساس تعلق تباری به طالبان و سایر گروه‌های تروریستی باید از بین برود.

۹. صلاحیت‌های تعریف شده نهادها و مقامات عسکری باید واقعاً در اختیار خودشان باشد و صلاحیت‌های فرماندهی میدانی از دفاتر مرکزی و مراجع مجهول به میدان‌های جنگ منتقل شود و فرماندهان میدانی باید صلاحیت ادامه و توقف جنگ را مطابق به الزامات وضع جنگ داشته باشند.

۱۰. تنبیه و پاداش باید عادلانه باشد و تقدیر سربازان و افسران فداکار و آن‌هایی که دستاوردهای واقعی و قابل پیمایش داشته باشند، در اولویت قرار گیرد.

و... اگر گزینه‌های دیگر عملی نشود و تغییر اساسی به میان نیاید؛ بهترین گزینه، گزینه ولایتی کردن جنگ و توزیع سربازان در ولایت‌های خودشان است. چون رفتن به یک جنگ مجهول در کوچه‌ها و اراضی ولایاتی که بخش عمده مردم آن از طالبان حمایت می‌کنند، به معنای رفتن به قربانگاه و خودکشی است.

بنیادی و فوری این وضع، برای کاهش تلفات جوانان یک منطقه و تقسیم متوازن بار جنگ بر کل ولایات و جغرافیای کشور، صورت گیرد.

نکات زیر می‌تواند به عنوان بخشی از یک راه‌حل مد نظر گرفته شود:

۱. نظام وظیفه باید مجدداً احیا شود و تمام افراد واجد شرایط عسکری از هر قوم و تبار به عسکری سوق گردند و در دفاع از وطن سهم بگیرند.

۲. دولت نیز همچون دشمن، منابع متعدد و متنوع بیرونی و داخلی را تعریف و از آن‌ها سربازگیری کند. (توسعه منابع سربازگیری)

۳. حالا که هیچ پشت جبهه‌یی وجود ندارد و جنگ عمداً به تمام ولایات افغانستان کشانیده شده، نیازی نیست که جوانان یک ولایت در فضای غیرقابل اعتماد و جغرافیای ناشناخته ولایات دیگر بجنگند.

برای جلوگیری از تلفات بیهوده، بهتر است جوانان هر ولایت در دفاع از ولایت خود موظف شوند.

۴. سهمیه‌بندی‌های قومی مقامات اداری و پست‌های فرماندهی در ارتش، خلاف اصل عدالت و شایسته‌گی و در تعارض با مبادی استراتژیک ارتش‌هاست. اما حالا که چنین است، باید میان تعداد افسران و سربازان از لحاظ نفوس و سهمیه‌بندی‌های موجود، نوعی تناسب و توازن در نظر گرفته شود.

۵. نیروهای ملی و گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی، باید بر مراجع درونی و جامعه بین‌المللی فشار بیاورند تا تعریف و مرز نیروهای خودی و دشمن، به روشنی مشخص و رُخ جنگ افغانستان معلوم شود.

۶. با حامیان طالبان در روستاها و سایر

جنگ در افغانستان از دید استراتژی‌های کلان جهانی، یک جنگ توافقی و تعریف شده است، که از طریق سازوکارهایی پیچیده، هم‌زمان در هر دو سوی خط توسط قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی رقیب و همسو مدیریت می‌شود.

چون اهداف و چشم‌انداز پایان این جنگ معلوم نیست، ادامه و تبعات تلفات نیروهای نظامی ما، به یک نگرانی بزرگ مبدل شده است. مشکل اصلی ما، عدم تناسب میان منابع انسانی جنگ است؛ برای دشمن یک حوزه بزرگ و متنوع در مقیاس تقریباً کل کشورهای اسلامی، منبع و بستر سربازگیری‌ست. اما در این طرف، تنها یک منبع، آن‌هم محدود و عمدتاً در یک جغرافیای قومی خاص به عنوان یگانه‌منبع قابل دسترس و قابل اعتماد قرار دارد.

با در نظرداشت نامشخص بودن پایان جنگ، ادامه این وضع بی‌تردید به برتری طرف برخوردار از منابع پایدار و گسترده انسانی می‌انجامد. و منبع دیگر، در زیر فشار پی‌هم تلفات انسانی، به تدریج تا سطح انقراض فیزیکی و فرهنگی پیش خواهد رفت.

همین حالا هم اگر یک نهاد بی‌طرف در مناطق و جغرافیای سربازگیری دولت تحقیق کند، به دلیل کشته شدن مردان در جبهه‌های نبرد، تعداد زنان این مناطق را بسیار بیشتر از مردان درخواهد یافت.

ادامه این وضع برای مردم ما فاجعه‌بار است؛ برای جلوگیری از این فاجعه باید ترکیب سربازان و افسران در تشکیلات دفاعی و امنیتی کشور بازنگری شود و بر اساس آن، اقدامات عملی‌یی در جهت تغییر